

صنعتی شدن ایران

و

چشم اندازهای توسعه صنعتی

دکتر بایزید مردوخی

مشاور اقتصادی سازمان برنامه و بودجه

کارخانجات ..

توسعه نیافتگی ساختار صنعتی ایران پرسشهایی را در ذهن مطرح می‌کند: چرا ایران همزمان با اروپا و انقلاب صنعتی اروپا صنعتی نشد؟ چرا صنعتی شدن ایران تاکنون به تأخیر افتاده است؟ با توجه به مراکز تولیدی متعدد و گسترده‌ای که از دورانهای قدیم در ایران وجود داشته و با وجود سرمایه‌های تجاری و مالی قابل توجه این کشور در دورانهای مختلف تاریخی، چرا تجدید حیات اقتصادی و نوسازی اجتماعی در ایران به کندی صورت گرفته و یا صرفاً به صورت تکرار شیوه‌های سنتی تولید، رخ داده است؟ بخشی از پاسخهایی که می‌توان برای پرسشهای مذکور پیدا کرد در روابط و مبادلات تجاری بین ایران و کشورهای در حال صنعتی شدن غرب طی دو قرن گذشته نهفته است. روابط مذکور به شیوه‌های مختلف، اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار داده است از قبیل: زوال صنایع دستی و سنتی، رونق تولید و صادرات محصولات کشاورزی همچون پنبه، تریاک و خشکبار و پایین آمدن تولید محصولات اساسی کشاورزی مثل غلات و حبوبات، سقوط ابریشم و صنایع وابسته به آن، کاهش ارزش روزافزون واحد پول ایران، گسترش نفوذ خارجی در امور سیاستهای داخلی، مهاجرت نیروی کار به کشورهای همجوار، عدم انسجام تولید و عدم تشکیل نیروی کار صنعتی.

علاوه بر عوامل خارجی، عوامل درونی تاریخی و ساختاری متعددی نیز می‌توان پیدا کرد که به صورتی بازدارنده، موجب کندی فرآیند توسعه اقتصادی و صنعتی ایران بوده است. از جمله این عوامل می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) استبداد و بوروکراسی که از آغاز دوران شاهی در ایران به وجود آمده و به صورت یک قدرت مرکزی همواره مازاد اجتماعی و

ساختار صنعتی ایران بافتی توسعه نیافته دارد و این توسعه نیافتگی را می‌توان در موارد زیر مقوله بندی کرد:
الف) سهم اندک ارزش افزوده صنعتی در تولید ناخالص داخلی (حدود ۱۰ درصد).

ب) سهم ناچیز صنایع سرمایه‌ای و بویژه ماشین آلات و تجهیزات کارخانه‌ای در تولید صنعتی (حدود ۸ درصد).

ج) سهم محدود منابع داخلی در تولید صنعتی و اتکاء زیاد به واردات ماشین آلات، تجهیزات و کالاهای واسطه‌ای (بیش از ۲۵ درصد).

د) حضور و نفوذ ضعیف کالاهای صنعتی صادراتی ایران در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی و ناتوانی بنگاههای صنعتی کشور برای رقابت در بازارهای خارجی - کمتر از ۰/۰۰۶ درصد از کل صادرات صنعتی جهان یا در حدود ۰/۰۴ درصد از مجموع صادرات صنعتی کشورهای در حال توسعه به ایران تعلق دارد..

ه) عقب ماندگی تکنولوژیکی و استهلاک بخش عمده‌ای از ماشین آلات (۳۱/۹ درصد) و تأسیسات (۱۶/۴ درصد) موجود در بخش صنعت ایران.

و) کمبود سرمایه انسانی و قدرت کارآفرینی مؤثر در بخش صنعت ایران - حدود ۳ درصد از نیروی انسانی شاغل در بخش صنعت را مهندسين و تکسین‌ها تشکیل می‌دهند که قابل مقایسه با رقم ۶ تا ۸ درصد در کشورهای پیشرفته نیست، ضمن آنکه بسیاری از این نیروی انسانی سطح بالا و متخصص در مشاغل مدیریتی فعالیت دارند نه در خط تولید

تولیدی جامعه را بلعیده و با همین هدف و وظیفه شکل گرفته است.

(ب) استمرار مالکیت عمومی و گرایشهای مخالف و متضاد با مالکیت خصوصی.

(ج) عدم امنیت جانی و مالی مردم در قبال مداخلات و دست‌درازیهای حکومت‌های مستبد مرکزی.

(د) قراردادهای و معاهده‌هایی که توسط درباریان و کارگزاران فاسد حکومتی با خارجیان منعقد شده و در ضمن آن امتیازات فراوان به آنها داده شده است (مانند قرارداد ترکمانچای). تمامی این عوامل از نظر تاریخی بازدارنده توسعه یک نظام پیشرفته تقسیم کار اجتماعی در ایران بوده و از تشکیل سرمایه در بخشهای تولیدی اقتصاد جلوگیری کرده است.

برای ورود به مبحث اصلی چشم‌انداز توسعه صنعتی، باید به یک پرسش اساسی پاسخ داده شود: توسعه صنعتی چیست و چرا خواستی است؟ توسعه صنعتی را می‌توان به یک انقلاب تشبیه کرد، چراکه پایه‌ها و بنیادهای مادی جامعه و چارچوبهای اجتماعی را از نظر کیفی تغییر می‌دهد. ویژگی اساسی صنعتی شدن در آن است که هم یک فرآیند فنی - اقتصادی است و هم یک فرآیند اجتماعی - اقتصادی. صنعتی شدن نه تنها به عقب‌ماندگیهای فنی جامعه پایان می‌دهد بلکه اقتصاد کشور را با دستاوردها و پیشرفتهای جدید علوم و تکنولوژی مجهز می‌کند. از طرف دیگر عقب‌ماندگیهای اجتماعی - اقتصادی را نیز برطرف کرده و موجبات نوسازی کلیه مناسبات اجتماعی را فراهم می‌کند. توسعه صنعتی و صنعتی شدن جامعه از این دیدگاه است که مطلوب و خواستی است.

در طول دهه گذشته، اقدام مؤثری در جهت صنعتی کردن کشور و ارتقاء آن صورت نگرفته است و به همین دلیل کمبود سرمایه‌گذاری صنعتی - گذشته از آثار زیانبار آن در بلندمدت - احتمالاً به رکود فعالیتهای این بخش می‌انجامد. از طرفی رفتارهای نگران‌کننده‌ای در این بخش شیوع یافته است که توسعه آتی آن را دچار اشکال و توقف خواهد نمود. این عوامل عبارتند از:

الف) صرف منابع و نقدینگی بنگاههای صنعتی در زمینه‌های مصرفی و رفتارهای مصرف‌گرایانه در سالهای اخیر.

ب) قانونی شدن خروج منابع از شرکتهای صنعتی دولتی و ملی برای تامین مالی هزینه‌های بوروکراسیهای جدید صنعتی و دستگاههای اداری موجود در این بخش.

ج) صرف توان مالی موجود و مسدود کردن منابع شرکتهای صنعتی دولتی و ملی در سرمایه‌گذاریهای غیرمولد و داراییهای مرده از قبیل خرید ساختمانهای اداری و سایر هزینه‌های تجملی به جای سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و تجهیزات لازم برای توسعه تولید و احداث واحدهای صنعتی جدید.

د) ترویج و گسترش رفتارهای تبعیض‌آمیز (رانت‌جویی) در میان

● **ویژگی اساسی صنعتی شدن در آن است که هم یک فرآیند فنی - اقتصادی است و هم یک فرآیند اجتماعی - اقتصادی.**

● **توسعه صنعتی نیازمند تغییر در نگرشها و سیاستهای اقتصادی و صنعتی، اصلاح مدیریت اقتصادی و تسریع در تجدید ساختار انگیزشی در بخش صنعت کشور است.**

● **نیل به خوداتکایی اقتصادی توأم با پیشرفت تکنولوژیکی، بدون توسعه صنعتی اقتصاد ایران امکان‌پذیر نیست.**

مصرف‌کنندگان در توزیع محصولات صنعتی و شکل گرفتن نوعی فضای اقتصادی رانت‌جویانه در خود بخش صنعت.

باتوجه به عوامل فوق باید گفت که برآورده شدن انتظارات جامعه در زمینه‌های ایجاد اشتغال برای انبوه بیکاران و کم‌کاران فعلی، تأمین نیازهای اساسی جمعیت رو به ترازد کشور، ایجاد درآمدهای غیرنفتی، کمک به توسعه کشاورزی و بالاخره نیل به خوداتکایی اقتصادی توأم با پیشرفت تکنولوژیکی، بدون توسعه صنعتی اقتصاد ایران امکان‌پذیر نیست. توسعه صنعتی نیز خود نیازمند تغییر در نگرشها و سیاستهای اقتصادی و صنعتی، اصلاح مدیریت اقتصادی و تسریع در تجدید ساختار انگیزشی در بخش صنعت کشور است.

توسعه صنعتی با اینکه به عنوان امری مطلوب و خواستی برای عموم افراد شناخته شده است ولی همگان در مورد نحوه، سرعت و گزینه‌های منطقی حصول به صنعتی شدن، لزوماً هم عقیده نیستند. ضرورت جستجوی احتمالات و امکانات مسیرهای مختلف توسعه در بلندمدت، از جهات و بنا به دلایل مختلف قابل توجه است که از جمله مهم‌ترین این دلایل تنها می‌توان به یک مورد اساسی اشاره نمود: باوجود اینکه امکانات و گزینه‌های متعددی برای آینده اقتصاد کشور قابل تصور است اما شکل‌بندی و ساختار جامعه در بلندمدت تا اندازه بسیار زیادی به اقدامات آگاهانه انسانها در کوتاه‌مدت و در بلندمدت بستگی دارد. اگر جنگ یا فاجعه‌ای رخ ندهد، بیشتر جمعیت کنونی کشور در ۲۰ تا ۵۰ سال آینده همچنان به حیات خویش ادامه خواهند داد. به همین دلیل ضروری خواهد بود که همه این مردم از امکانات آینده آگاه شوند و در ساختن آینده، دارای قدرت نظر و اجرا باشند.

افق زمانی چشم‌اندازهای این آینده‌نگری، سالهایی است که در آن نوزادان امروز به سنین کار می‌رسند. طی این دوره بیست ساله، تحولات

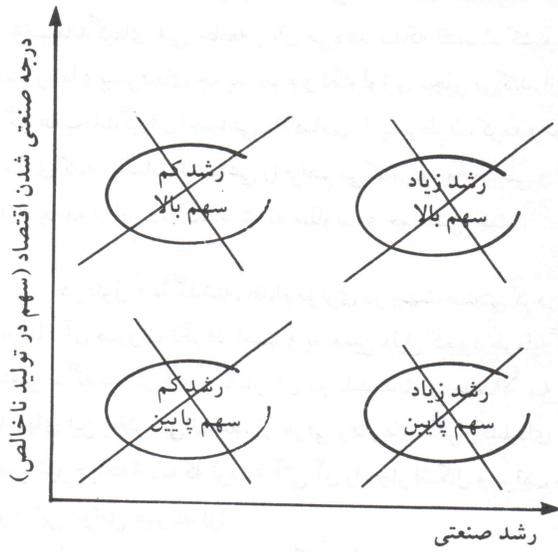
صنعتی شدن نه تنها عقب ماندگی فنی جامعه را از پسین می برد بلکه اقتصاد کشور را با دستاوردها و پیشرفت های جدید علوم و تکنولوژی مجهز می کند و از این دیدگاه است که توسعه صنعتی و صنعتی شدن مطلوب و خواستنی است.

تبدیل به یک سناریوی ممکن و دست یافتنی نیست. زیرا حتی «گزینه رشد کم - سهم پایین» نیز در صورتی بر آورده خواهد شد که حساسیت نسبت به عواملی مانند رشد اقتصادی، نیازهای اساسی انسان، بیکاری و مشارکت مردم در برنامه ریزی و تصمیم گیری وجود داشته باشد. با توجه به اینکه جهانی یا دیدگاه «محافظه کار» استراتژی خاصی برای توسعه صنعتی ندارد، تولید و سرمایه گذاری صنعتی دستخوش نوساناتی خواهد بود که

در پرتو دیدگاه «رشد»، اقتصاد ایران به سطوح بالای صنعتی شدن نایل نخواهد شد و در تقسیم کار جهانی به پذیرش نقش «سوخت رسان» برای کشورهای صنعتی بسنده خواهد کرد.

بازیهای زمانه و تغییرات سلیقه مسبب آن هستند. دارندگان این جهان بینی هیچ طرح و نقشه ای در زمینه رشد اقتصادی و توزیع درآمد ندارند. ساختار تولید صنعتی نیز الزاماً از علایم و نشانه های بازار تبعیت کرده و ساختاری مصرفی و مصرف گرا خواهد شد (نمودار ۱).

نمودار (۱) «گزینه های، آینده توسعه صنعتی در دیدگاه «محافظه کار»



در پرتو دیدگاه «رشد»، اقتصاد ایران به سطوح بالای صنعتی شدن نایل نخواهد شد و در تقسیم کار جهانی به پذیرش نقش «سوخت رسان» برای کشورهای صنعتی بسنده خواهد کرد. در مسائل داخلی نیز، این دیدگاه از بهبود توزیع درآمد جانبداری نمی کند و در مورد الگوی مصرف، مشارکت مردم و بیکاری حساسیتی نشان نمی دهد و برای این گونه مسائل و مشکلات هیچ طرحی ندارد. ساختار تولید صنعتی، به پیروی از ایستارها و گرایشهای این دیدگاه، بر محور اولویت صنایع مصرفی شکل خواهد گرفت. بر پایه مفروضات جهانی بینی «رشد» دو سناریوی «رشد زیاد - سهم پایین» و «رشد کم - سهم پایین» قابل تحقق است. به دلیل ناسازگاریهای بنیادی استراتژی توسعه در دیدگاه «رشد»،

عظیمی در زندگی بشر و شیوه های تولید و تکنولوژیها صورت خواهد گرفت که در هیچ دوره ای سابقه نداشته است. در بخش صنعت نیز تحولاتی در پیش است که نشانه ها و پیش نشانه های آن حاکی از گسترش و عمق تغییرات آینده است.

به دلیل طولانی بودن دوره پیش بینی، چشم اندازهای آینده بر مبنای «تحلیل سناریو» پیش بینی می شود. این روش امکان آن را فراهم می کند تا در تحلیلهای کمی، عوامل کمی نشده آینده نیز به حساب آید. در این روش، تجزیه و تحلیل بر پایه سه دیدگاه «محافظه کار»، «رشد» و «توسعه» جمعاً دوازده سناریوی مختلف توسعه برای بخش صنعت ایران آینده سازی می شود. هر دیدگاه یا جهان بینی نشان دهنده برداشت خاصی از تاریخ و روند گذشته و نگرش ویژه ای به چشم انداز توسعه صنعتی در آینده است. در هرگونه داوری یا بیان خواسته ها و انتظارات نسبت به توسعه صنعتی کشور در آینده، چهار مقوله زیر به طور صریح یا ضمنی مورد قضاوت قرار می گیرد:

- (الف) نقش و جایگاه انسان در فرآیند توسعه (کرامت انسانی)
- (ب) نقش و جایگاه صنعت در اقتصاد ایران و جهان (درجه صنعتی شدن)
- (ج) ساختار تولید، تکنولوژی و مدیریت اقتصادی (ساختار تکنولوژیکی)

(د) چارچوبهای حقوقی و نهادی فعالیتها (ساختار انگیزشی)

هر یک از دوازده سناریوی توسعه بر اساس دو پارامتر اساسی «سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی» و «رشد تولید صنعتی» در دو حالت پایین و بالا در مورد «سهم» و دو حالت کم و زیاد در مورد «رشد» طراحی می شود. به این ترتیب قرینه های دو به دو سهم و رشد، چهار «گزینه» از وضعیت بخش صنعت را به صورت «رشد کم - سهم پایین»، «رشد زیاد - سهم پایین»، «رشد کم - سهم بالا» و «رشد زیاد - سهم بالا» در چارچوب دیدگاههای سه گانه نشان می دهد.

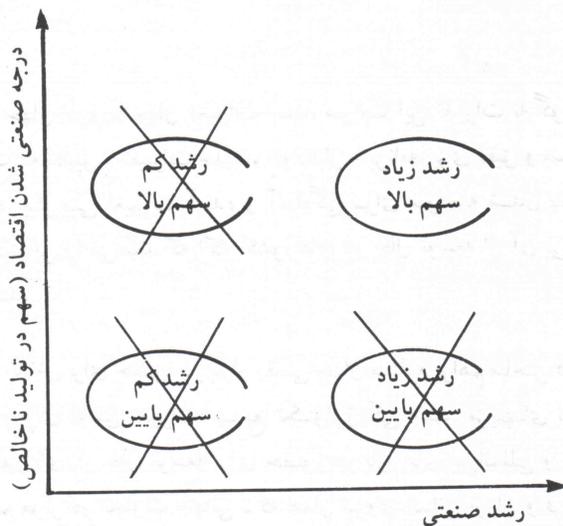
حالات و وضعیتهای آینده که در چارچوب دیدگاه «محافظه کار» قابل تصور است، ادامه روندهای مداخله گرانه و گسستن اقتصاد و صنعت کشور از جهان خارج - به استثنای صدور نفت و سایر کانیهای خام به بازارهای جهانی و صرف درآمد حاصله برای حفظ ساختار مصرفی اقتصاد کشور - است. روشن است که چنین وضعیتی را نمی توان در یک «تصویر آینده» به گونه ای سازگار سازماندهی کرد. هیچ کدام از «گزینه های» چهارگانه آینده، در چارچوب دیدگاه «محافظه کار» قابل

صنعتی نیز بسیار حساس است. گزینه توسعه صنعتی آینده در دیدگاه «توسعه» گزینه «رشد زیاد - سهم بالا» است. نظر به اینکه ایستارهای دیدگاه «توسعه» با شرایط اقتصادی - اجتماعی کشور انطباق کامل دارد و قادر به جلب مشارکت مردم در فرآیند توسعه و پاسخگویی به نیازهای انسانی آنها در چارچوب نظام اقتصادی - که این منظر بر آن تأکید دارد - است، گزینه «رشد زیاد - سهم بالا» تحقق پذیر بوده و به عنوان گزینه

از نقطه نظر دیدگاه «توسعه»، رشد باید متعادل، توزیع درآمد مساوی، تامین نیازهای اساسی متوازن و فراگیر همه افراد و اقشار جامعه، مشارکت مردم وسیع و بیکاری اندک باشد.

باتوجه به اینکه دیدگاه «محافظة کار» استراتژی خاصی برای توسعه صنعتی ندارد، تولید و سرمایه گذاری صنعتی دستخوش نوساناتی خواهد بود که بازبهای زمانه و تغییرات سلیقه مسبب آن هستند.

ممکن که مبنای استراتژی مناسب توسعه صنعتی را شکل دهد، قابل توصیه است. براساس مفروضات این گزینه، نرخ رشد متوسط سالانه ای معادل ۶/۷ درصد در ارزش افزوده بخش صنعت طی دو دهه آینده قابل دسترسی است. تحقق چنین رشدی در بخش صنعت ایران هر چند مطلوب نمودار (۳) «گزینه های» آینده توسعه صنعتی در دیدگاه «توسعه»

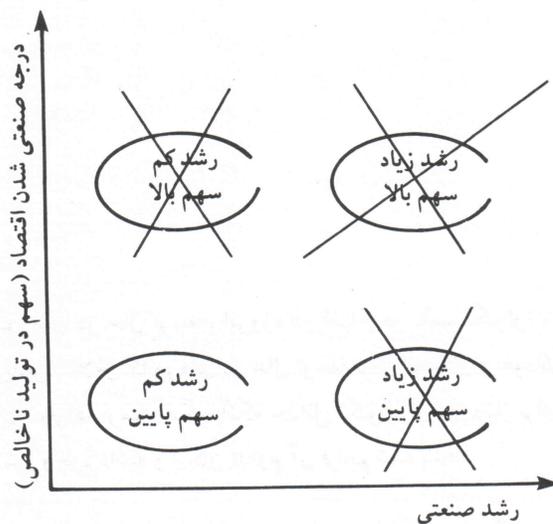


و خواستی است، چندان دور از دسترس، غیر محتمل و ناممکن به نظر نمی آید.

آنچه اهمیت دارد توجه به این نکته است که تحقق این سناریو یا هر گزینه ای مشابه آن - هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی - از الزامات توسعه اقتصادی کشور و استمرار آن محسوب می شود. این رشد صنعتی می تواند جوابگوی نیازهای ناشی از رشد جمعیت بوده و موجبات افزایش سطح مصرف سرانه و رفاه را فراهم آورد (نمودار ۳).

تولید صنعتی از رشد اندکی معادل ۳/۷ درصد در سال برخوردار خواهد شد و سهم ارزش افزوده بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی در طول بیست سال فقط معادل ۰/۵ درصد ارتقاء خواهد یافت که حاکی از غیرصنعتی شدن و یا صنعتی نشدن اقتصاد کشور است (نمودار ۲).

نمودار (۲) «گزینه های» آینده توسعه صنعتی در دیدگاه «رشد»



دیدگاه «توسعه» مشوق گسترش ظرفیتهای نظام اقتصادی - اجتماعی برای برآوردن نیازهای محسوس جامعه است. دوام فرآیند توسعه در این جامعه نیازمند تحقق دو شرط زیر است: نخست آنکه ظرفیت مادی نظام اقتصادی در حال گسترش باشد و دوم اینکه هدفهای فرآیند توسعه، در همه حال بر اساس تامین نیازهایی باشد که برای همه افراد جامعه محسوس و متصور باشد. دیدگاه «توسعه» نسبت به تمام عواملی که با کرامت انسانی سر و کار دارد حساسیت نشان می دهد و پاسخگویی به همه آنها را مهم تلقی می کند. پاسخی که این دیدگاه برای عوامل مربوط به کرامت انسانی جستجو می کند این است که رشد باید متعادل، توزیع درآمد مساوی گرا، تامین نیازهای اساسی متوازن و فراگیر همه افراد و اقشار جامعه، مشارکت مردم وسیع و بیکاری اندک باشد. از طرف دیگر پیوندهای اقتصادی با بازارهای بین المللی را به صورتی مدیریت شده، فعال و آگاهانه تنظیم می نماید تا در هر شرایطی در خدمت اقتصاد ملی در آید.

از آنجا که دیدگاه «توسعه» اصولاً دیدگاهی علمی نسبت به توسعه اقتصادی - اجتماعی دارد، در زمینه ساختارهای انگیزشی توسعه